Original Article Open Access



Child Rights Journal

2021; 3(11): 13-26

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity | The Iranian Association of Medical Law | The Iranian Association of Child Rights

The Role of Economic Law in Protecting the Labor Rights of Children

Mehdi Mohammadi[1], Seyedeh Parisa Mirabi[1*]

1. Department of Law, Kar Higher Education Institute, Qazvin, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Economic law is one of the rights enshrined in the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1966), first enshrined in the Universal Declaration of Human Rights in 1948. International labor law is also enshrined in the International Labor Organization (ILO) Convention as a specialized agency of the United Nations. In relation to children, the Convention on the Rights of the Child at the international level and the Law on the Protection of Children and Adolescents at the domestic level have provided specific protections. This study aims to examine the role of economic rights in protecting children's labor rights and analyze the main problems of protecting children's economic and labor rights in national and international laws.

Method: The present study has been done using descriptive-analytical method and using library resources.

Results: Protecting the rights of the child against economic exploitation and doing any harmful work is emphasized in the Convention on the Rights of the Child (1989). Unfortunately, international documents do not pay attention to the factors that create child labor and provide enforcement guarantees or mechanisms to solve this problem. Following the international instruments, the Law on the Protection of Children and Adolescents (1399) of the Islamic Republic of Iran not only defines economic exploitation but it also considers forcing a child or teenager to engage in activities such as begging and trafficking, and any activity that causes damage to his physical, mental, social and moral health and security, or educational status, as a risky situation which will cause immediate intervention and legal support.

Conclusion: Protection of children in the work environment and protection against economic exploitation will reach their high objectives if the other rights specified in the convention, including the right to benefit from social security (Article 26), the right to have a standard of living suitable for growth physical, mental, spiritual, moral and social rights (Article 27) and the right to protection against actions that threaten the child's health, education or development (Article 32), should be realized equally for all children with all age conditions.

Keywords: Labor Law, Economic Law, Rights of Children and Adolescents, Domestic laws, International Documents

Corresponding Author: Seyedeh Parisa Mirabi; **Email:** parisamirabilawyer@gmail.com

Received: October 11, 2021; **Accepted:** November 16, 2021

Please cite this article as:

Mohammadi M, Mirabi SP. The Role of Economic Law in Protecting the Labor Rights of Children. Child Rights Journal. 2021; 3(11): 13-26.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی

دسترسی آزاد

فصلنامه حقوق کودک

دوره سوم، شماره یازدهم، پاییز ۱۴۰۰، صفحات ۲۶-۱۳

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

نقش حقوق اقتصادی در حمایت از حقوق کار کودکان

مهدی محمدی[۱]، سیده پریسا میرابی[۱]*

۱. گروه آموزشی حقوق، موسسه آموزش عالی کار، قزوین، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حقوق اقتصادی آن دسته از حقوق مدون در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) است که برای اولین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ مورد توجه قرار گرفته است. حقوق بین‌الملل کار نیز در کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار (ILO)، به‌عنوان موسسه تخصصی سازمان ملل، کانون توجه بوده است. در رابطه با کودکان، کنوانسیون حقوق کودک در سطح بین‌المللی و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سطح داخلی، حمایت‌های مشخصی را منظور داشته‌اند. مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش حقوق اقتصادی در حمایت از حقوق کار کودکان و تحلیل مشکلات اصلی محافظت از حقوق اقتصادی و کارگری کودکان در حقوق ملی و بین‌الملل انجام گردید.

روش: این تحقیق به روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به انجام رسیده است.

یافته‌ها: حمایت از حقوق کودک در برابر استثمار اقتصادی و انجام هرگونه کار زیان‌بار در کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) مورد تأکید قرار گرفته است. متأسفانه در اسناد بین‌المللی به عوامل ایجاد کار کودکان و پیش‌بینی ضمانت اجرا یا سازوکاری برای حل این معضل توجهی نشده است. پیرو اسناد بین‌المللی، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ در ایران، نه‌تنها بهره‌کشی اقتصادی را تعریف کرده بلکه وادار کردن طفل یا نوجوان به فعالیت‌هایی نظیر تکدی‌گری و قاچاق و هرگونه فعالیتی که موجب ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی و اجتماعی، اخلاقی، امنیت یا وضعیت آموزش وی گردد را به عنوان وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب کرده است که موجب مداخله فوری و حمایت قانونی خواهد شد.

نتیجه‌گیری: حمایت از کودکان در محیط کار و حفاظت در برابر بهره‌کشی اقتصادی زمانی به اهداف عالی خود می‌رسد که سایر حقوق آن‌ها که در کنوانسیون مورد تصریح قرار گرفته است، از جمله حق بهره‌مندی از تأمین اجتماعی (ماده ۲۶)، حق داشتن استاندارد زندگی مناسب برای رشد جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی (ماده ۲۷) و حق محافظت در برابر کارهایی که سلامت، تحصیلات یا پیشرفت کودک را تهدید می‌کند (ماده ۳۲)، برای تمام کودکان به‌طور برابر و یکسان و با هر شرایط سنی تحقق یابد.

واژگان کلیدی: حقوق کار، حقوق اقتصادی، حقوق کودکان و نوجوانان، قوانین داخلی، اسناد بین‌المللی

نویسنده مسئول: سیده پریسا میرابی؛ **پست الکترونیک:** parisamirabilawyer@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۰/۰۸/۲۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mohammadi M, Mirabi SP. The Role of Economic Law in Protecting the Labor Rights of Children. Child Rights Journal. 2021; 3(11): 13-26.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

مقدمه

حقوق اقتصادی آن دسته از حقوق مدون در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی(۱۹۶۶) است (۱) که برای اولین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸تنظیم شده است (۲). حقوق کار نیز در کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار (ILO)(۳)، به‌عنوان موسسه تخصصی سازمان ملل، تبیین شده است. مهم‌ترین این کنوانسیون‌ها در اعلامیه سازمان بین‌المللی کار در مورد اصول و حقوق اساسی کار (اصول و حقوق بنیادین)، که توسط کنفرانس بین‌المللی کار در سال ۱۹۹۸ (۴) تصویب‌شده است، خلاصه می‌شود. سازمان بین‌المللی کار و مفاد مواد ۷ و ۸ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوق اقتصادی را شامل انتخاب آزادانه شغل، شرایط عادلانه و مطلوب کار و محافظت از افراد در برابر بیکاری و اینکه بدون هیچ‌گونه تبعیضی و به‌طور برابر بتوانند حق پاداش عادلانه و مطلوب داشته باشند و موردحمایت اجتماعی قرار گیرند، مورد توجه قرار داده است. میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز در ماده ۱ خود به‌حق خودمختاری ملل که بتوانند وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین نمایند توجه داشته است و پیرو آن در ماده ۲۴ میثاق مقرر می‌دارد: «۱- هر کودکی بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث نژاد - رنگ - جنس - زبان - مذهب - اصل و منشأ ملی یا اجتماعی - مکنت یا نسب حق دارد از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع صغیر بودنش از طرف خانواده او و جامعه و حکومت کشور او باید به عمل آید برخوردار گردد. ۲- هر کودکی باید بلافاصله پس از ولادت به ثبت برسد و دارای نامی بشود. ۳- هر کودکی حق تحصیل تابعیتی دارد.» همچنین در ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک به‌ضرورت حمایت دولت‌ها در برابر بهره‌کشی اقتصادی و انجام هرگونه کاری که زیانبار بوده یا ایجاد توقف در آموزش کودک داشته باشد به‌نحوی‌که موجب آسیب به بهداشت جسمی، روحی و روانی و اخلاقی و یا پیشرفت اجتماعی کودک شود، تأکید داشته است. لذا، از کشورهای عضو خواسته‌شده تا اقدامات لازم قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را جهت تضمین حقوق کودک فراهم آورند و در راستای تحقق حق کار کودک می‌بایست حداقل سن یا حداقل سنین برای انجام کار را تعیین کنند و مقررات مناسبی به‌منظور شرایط، محیط و ساعت کار مناسب برای کودکان تصویب نمایند و ضمانت اجراهای مؤثر برای آن پیش‌بینی کنند.

آنچه از مفاد و مستندات کنوانسیون‌ها، معاهدات و پیمان‌نامه‌ها در باب کار کودکان در سطح بین‌الملل مورد تأکید قرارگرفته در سه امر شرایط کار کودک، سن کودک و حمایت اقتصادی تجلی‌یافته است که به لحاظ روانی، جسمی، اجتماعی یا اخلاقی آسیب‌رسان نباشد و مزاحم تحصیل کودکان نشود. البته معیاری که برای حداقل سن مطابق استاندارد سازمان بین‌المللی کار و مقاوله‌نامه‌های آن مشخص‌شده است در کارهای خطرناک حداقل ۱۸ سال و در کارهای سبک ۱۳ تا ۱۵ سال است. در این راستا، ماده ۷۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران نیز مقرر داشته است: «به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است». هرچند تعیین سن کار کودکان به جهت حمایت و حفاظت از آن‌ها در برابر بهره‌کشی اقتصادی است، ولی علی‌رغم حمایت‌های صورت گرفته در اسناد بین‌المللی و قوانین و مقررات ملی در حوزه کار کودکان، متأسفانه با توجه به عوامل نامساعد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی از قبیل فقر (فقر اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی)، تبعیض (نژادی، جنسی، مذهبی، دستمزد)، مشکلات خانوادگی(طلاق، اعتیاد، بیکاری، کودکان بدون خانواده) شاهد افزایش کودکان کار هستیم.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

لذا، نه‌تنها کودکان کار از سطح محیط‌های کار کم یا حذف نشده‌اند، بلکه شرایط موجود موجب افزایش کودکان در محیط کاری در تمامی سنین نیز شده است. ازاین‌رو، تعیین حداقل سن کار موجب مطرح‌شدن این سؤال می‌گردد که آیا تمام کودکان از حقوق کاری و اقتصادی برخوردار هستند و اگر پاسخ مثبت است، در عمل طی چه شرایطی تحقق آن امکان‌پذیر است؟ همچنین این مسأله قابل طرح است که چه رابطه‌ای بین حقوق بشر به‌طورکلی و حقوق کودکان به‌طور خاص با سایر حقوق (حقوق اقتصادی و اجتماعی، حقوق بشر و کار و حقوق قانونی و اخلاقی) وجود دارد؟ بر این مبنا، پرسش اصلی تحقیق این است که حقوق اقتصادی چه نقشی در حمایت از کودکان کار و تأمین حقوق آنان دارند؟

روش

این مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. گردآوری اطلاعات تحقیق با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) به ویژه ضمن مراجعه به اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی به انجام رسیده است.

یافته‌ها

۱. بررسی تأثیر حقوق اقتصادی بر حقوق کار کودکان و نوجوانان در اسناد بین‌المللی: حقوق بین‌المللی کار، پیرو کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار، که به عنوان یک موسسه یا سازمان تخصصی سازمان ملل متحد در قلمرو اجتماعی، شناخته‌شده است، تاکنون مقررات زیادی را تحت عناوین مختلف مانند، توصیه‌نامه، اعلامیه، مقاوله نامه و ... پیرو اصول و اهدافش در برداشته است که در بین آن‌ها مقاوله‌نامه‌های حقوق بنیادین کار از اهمیت بالایی برخوردار است که به آزادی‌های اساسی انسان، آزادی کار و یا منع تبعیض می‌پردازد (۵). اعلامیه سال ۱۹۹۸، حقوق بنیادین کار را به چهار دسته، آزادی سندیکایی و مذاکرات جمعی (مقاوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸)، لغو کار اجباری (مقاوله‌نامه‌های ۲۹ و ۱۰۵)، تساوی مزد و منبع تبعیض (مقاوله‌نامه‌های ۱۰۰ و ۱۱۱)، حداقل سن کار و ممنوعیت کار کودک (مقاوله‌نامه‌های ۱۳۸ و ۱۸۲) تقسیم‌بندی کرده است (۶).

حق برابری و عدم تبعیض، پایه و اساس حقوق و آزادی‌های فردی است که در تمامی اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرارگرفته است. لذا تا زمانی که میان افراد شرایط مساوی در برخورداری از حقوق و آزادی‌های مختلف برقرار نشود عدالت در حوزه‌های مختلف (اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ...) امکان‌پذیر نیست. پیرو این مهم اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲ مقرر می‌دارد: «هرکس می‌تواند از کلیه آزادی‌ها که در اعلامیه حاضر به آن تصریح‌شده، بی هیچ‌گونه برتری، منجمله برتری از نظر نژاد و رنگ و جنس و زبان و دین یا هر عقیده دیگر، و از نظر زاد و بوم یا موقعیت اجتماعی، و از نظر توانگری یا نسب یا هر وضع دیگر بهره‌مند گردد...» و در ماده ۲۳ نیز بر حق برخورداری از کار و دستمزد به طور عادلانه تأکید و مقرر می‌دارد: «هر کس حق کار و حق برگزیدن آزادانه کار با شرایط عادلانه و ارضاکننده دارد، ... هر کس در مقابل کار مساوی، بدون هیچ‌گونه رعایت امتیاز، حق دستمزد مساوی دارد. هر کس در مقابل کار، حق دارد دستمزدی منصفانه و ارضاکننده دریافت کند که برای او و خانواده‌اش وجه معیشتی فراهم آورد که شایسته حیثیت کمال‌یافته انسانی باشد و در صورت مقتضی حق دارد از کلیه وسایل حمایت اجتماعی استفاده نماید...».

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

یکی از مهم‌ترین موارد حقوق بنیادین کار، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه از جمله کودکان است که همواره در معرض آسیب‌های جسمی، روانی و اخلاقی قرار دارند. حمایت از کودکان کار و معین‌کردن حداقل سن کار از موارد حائز اهمیتی است که علاوه بر تأکید در اسناد مختلف بین‌المللی از جمله ماده ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۲۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، در مقاوله نامه شماره ۱۳۸ و ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار به آن توصیه شده است. سازمان بین‌المللی کار تا سال ۱۹۷۳ در پیمان‌نامه‌ها یا مقاوله‌نامه‌های متعددی حداقل سن کار کودکان را در حوزه‌ها و مشاغل گوناگون (کارهای دریایی، صنعتی و غیرصنعتی، کشاورزی، کشتی، ماهیگیری، کارهای زیرزمین و ...) موردتوجه قرار داده است.

سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۷۳ و در پنجاه و هشتمین نشست خود مقاوله‌نامه ۱۳۸ را بر مبنای تعیین حداقل سن (کمتر از ۱۵ سال) و ممنوعیت کار کودکان (مشاغل صنعتی، کشاورزی، زیرزمین و ...) و تأکید بر تکمیل تحصیلات اجباری، به تصویب رساند که پیرو آن مقاوله‌نامه‌ها و پیمان‌نامه‌های پیشین نسخ شدند. هدف از مقاوله‌نامه فوق افزایش حداقل سن اشتغال که کمتر از ۱۵سال نباشد دانسته شده مگر در کشورهایی که از نظر اقتصادی ضعیف هستند که با مشورت سازمان‌های کارگری و کارفرمایی می‌توانند حداقل سن را به ۱۴ سال کاهش دهند؛ ولی در کارهای صنعتی، سخت و خطرناک حداقل سن ۱۸ سال و در مشاغل سبک‌تر بین ۱۳ تا ۱۵ سال پیرو شرایطی مجاز شمرده شده است.

در راستای تکمیل مقاوله نامه فوق، در سال ۱۹۹۹ مقاوله نامه ۱۸۲ با عنوان «ممنوعیت کار کودک و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک» بر مبنای ممنوعیت هر کاری که برای سلامتی، ایمنی یا اخلاق کودک ضرر داشته باشد به تصویب رسید و از کشورها خواسته شد تا فهرستی از این کارها تهیه کنند و بر اساس سیاست و قانونگذاری ملی خود ضمانت اجرای مؤثری برای آن مشخص نمایند. مقاوله‌نامه فوق بر اهمیت آموزش‌وپرورش در حذف یا محدودیت کار کودک تأکید داشت و از کشورها خواسته شد تا آموزش‌وپرورش رایگان را برای کودکان و نوجوانان فراهم آورند.

اگرچه مقررات مقاوله‌نامه‌های مذکور، برای برآوردن و محافظت از نیازهای خاص کودکان در نظر گرفته شده است، اما محدودیت جدی در حقوق اقتصادی آن‌ها ایجاد می‌کند. لذا، این سؤال مطرح می‌شود که آیا اسناد فوق در عملکرد و واقعیت بر مبنای اهداف خود مبنی بر حمایت و حفاظت از حقوق کودکان عمل کرده‌اند؟ به‌عنوان‌مثال، تعیین حداقل سن برای کودکان، بهره‌مندی از «حقوق در محل کار» برای کودکان زیر سن قانونی را غیرممکن می‌کند، لذا، این دسته از کودکان کار مورد سوء استفاده قرارگرفته و در دستیابی به حقوق در حوزه کار خود با مشکل مواجه می‌شوند. بنابراین، تعیین حداقل سن و ضمانت اجراهای مؤثر فقط برای کودکان کار بالای سن قانونی کار قابل اعمال است.

همین تضاد اهداف در کنوانسیون حقوق کودک نیز قابل مشاهده است. ماده ۳۲ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «۱. کشورهای عضو حق کودک را جهت حمایت در برابر بهره‌کشی اقتصادی و انجام هرگونه کاری که زیانبار بوده یا ایجاد توقفی در آموزش کودک داشته باشد، یا برای بهداشت جسمی، روحی و روانی و اخلاقی و یا پیشرفت اجتماعی کودک مضر باشد، به رسمیت می‌شناسند.

۲. کشورهای عضو کنوانسیون اقدامات لازم قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را جهت تضمین ماده حاضر به عمل خواهند آورد. در این راستا و با توجه به مواد مربوطه در سایر اسناد بین‌المللی، کشورهای طرف

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

کنوانسیون خصوصاً موارد ذیل را موردتوجه قرار خواهند داد:

الف. تعیین حداقل سن یا حداقل سنین برای انجام کار.

ب. تعیین مقررات مناسب از نظر ساعت و شرایط کار.

ج. تعیین مجازات‌ها و یا اعمال ضمانت‌های اجرایی مناسب جهت تضمین اجرای مؤثر ماده حاضر.»

درحالی‌که کنوانسیون حقوق کودک از معیارهای کار کودکان در مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار یاد نمی‌کند؛ اما ضرورت تعیین حداقل سن برای پذیرش کار با حق اعلام‌شده همه کودکان برای محافظت در برابر استثمار اقتصادی در تضاد است و یا می‌توان گفت با وضعیت کنونی جامعه جهانی سازگار نمی‌باشد. علیرغم اهداف مهمی که در این اسناد مبنی بر ممنوعیت یا محدودیت از کار برای سنین پایین وجود دارد ولی یک فراز کوتاه در تحقق برخی اهداف محسوب می‌شود و نتیجه آن محرومیت از کار مناسب با توجه به کرامت کودک برای محافظت از کودکان و آسیب‌های آن است.

مطالعات نشان می‌دهد که معیار کلی حداقل سن و ممنوعیت‌های مربوطه به تنهایی برای تحقق اهداف کافی نمی‌باشد. زیرا دلایل واقعی را که باعث شروع کار کودکان می‌شود برطرف نمی‌کند. بنابراین، این‌گونه اقدامات علاوه بر اینکه منجر به حفاظت و حمایت از کودکان کار با سنین کم نمی‌شوند، بلکه خطر کار در شرایط خطرناک را نیز افزایش می‌دهند (۷).

متأسفانه در اسناد بین‌المللی توجهی به عوامل ایجاد کار کودکان از قبیل فقر، تبعیض فرهنگی، تبعیض نژادی، تبعیض جنسیتی، مشکلات خانوادگی، بیکاری والدین، اعتیاد، کودکان بدون خانواده و یا کودکان ترک‌شده نشده است. لذا، ضمانت اجرا، پیشنهاد یا سازوکاری برای حل این معضل دیده نمی‌شود و حتی اشاره‌ای به قانونگذاری یا اعمال مجازات برای به‌کارگیرندگان کودکان در وادی کار نشده است. کنوانسیون حقوق کودک با بیان عام خود مبنی بر واگذارکردن موضوع کار کودکان به قوانین داخلی کشورها منجر به اعمال سیاست‌ها و سلیقه‌های متفاوت در حفاظت از کار کودکان شده است که در عمل هم روزانه به تعداد این کودکان افزوده می‌شوند. از طرفی، تعیین حداقل سن برای کودکان نه تنها کودک کار را از سطح محیط کار یا خیابان محدود یا حذف نکرده بلکه منجر به تبعیض دستمزد آن‌ها نسبت به بزرگسالان خواهد شد.

همچنین، حق کودکان برای تشکیل انجمن‌های کاری، که در ماده ۱۵ کنوانسیون حقوق کودک ذکر شده است، اساساً می‌تواند به عنوان یک حق اقتصادی نیز تلقی شود که ایجاد روابط در محل کار و مذاکرات جمعی را تسهیل می‌کند و موجب هدایت کودک جهت تحقق حقوق وی و ایجاد سازوکاری برای اعتلای استعدادها و توانایی‌های او می‌شود. ماده ۱۵ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد: «۱- کشورهای طرف کنوانسیون حقوق کودک را در مورد آزادی (تشکیل) اجتماعات و آزادی مجمع مسالمت‌آمیز به رسمیت می‌شناسد. ۲- به غیر از محدودیت‌هایی که در قانون تصریح‌شده و یا برای حفظ منافع امنیت ملی یا امنیت عمومی، نظم عمومی، سلامت عمومی و یا اخلاقیات و یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری است، هیچ محدودیتی در اعمال این حق وجود ندارد».

با این حال، اگر این حفاظت و حمایت از کودکان مطابق اسناد فوق تنها با حذف آن‌ها از کار و عدم پیش‌بینی و بررسی عوامل ایجاد کار کودکان به دست آید، حمایت از کار کودکان را کوتاه‌مدت کرده و حتی می‌تواند خطرات بیشتری را برای کودکان ایجاد کند. لذا، برای جلوگیری از این آسیب احتمالی، در کودکان کار که به هر دلیلی ممکن است کار خود را شروع کنند یا به کار خود به طور

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

پنهانی ادامه دهند، سیاست‌هایی باید پیش‌بینی شود که در بردارنده حمایت حقوقی در محل کار، وسایل حفاظتی و نظارتی باشند. به‌عنوان‌مثال، این امر می‌تواند با آگاهی دادن به کودکان کار در مورد خطرات ناشی از اشکال مختلف شغل و حمایت و سازماندهی آن‌ها در محل کار، موجب شود تا آن‌ها آزادانه در مورد محیط کار خود مطابق قانون تصمیم گرفته و مورد حمایت قرار گیرند یا در مواقعی که محل کار کودکان مخاطره‌آمیز است، فرصت‌های شغلی جایگزین در نظر گرفته شود تا کرامت انسانی آن‌ها را تضمین کند و آن‌ها را قادر سازد از سایر حقوق خود مندرج در کنوانسیون حقوق کودک، مانند حقوق بهداشت (ماده ۲۴)، تأمین اجتماعی (ماده ۲۶)، سطح زندگی مناسب (ماده ۲۷)، تحصیل (مواد ۲۸ و ۲۹) و استراحت و فراغت (ماده ۳۱) استفاده نمایند.

کمیته حقوق کودک در نظریه عمومی شماره۱۶ (۲۰۱۳)، برخورداری دولت‌ها از چارچوب سیاسی و حقوقی متناسب برای حمایت از حقوق کودکان، عملکرد و اجرا و تأمین جبران خسارت، ضروری می‌داند که در راستای آن بر موارد زیر تأکید کرده است:

۱. دوران کودکی هنگامه تعالی رشد جسمانی، روانی، عاطفی و اخلاقی است. نقض حقوق کودک ازجمله در کار کودک، عدم ایمنی، محیط کار نامساعد گاهی با عواقب غیر قابل جبران همراه خواهد بود.

۲. کودکان معمولاً فاقد درک سیاسی هستند و برای استیفای حق خود به‌نظام حاکم وابسته می‌باشند و نمی‌توانند در آن نفوذ داشته باشند یا تأثیرگذار باشند. در نتیجه مشارکت در تصمیمات مربوط به قانونگذاری و سیاست‌هایی که بر حقوق آن‌ها تأثیرگذار است، برای آن-ها غیرممکن یا دشوار می‌باشد.

۳. تأمین جبران خسارت برای کودکان (از طریق دادگاه یا سایر سازوکارها)، در صورت نقض حقوق آن‌ها حتی توسط تشکیلات اقتصادی دشوار می‌باشد. کودکان غالباً فاقد جایگاه حقوقی هستند، از سازوکار تأمین جبران خسارت آگاهی ندارند و به منابع مالی و نماینده قانونی مناسب نیز دسترسی ندارند. کودکان در موارد سوء استفاده یا نقض حقوق در کسب‌وکار برای کسب جبران خسارت با مشکل مواجه می‌شوند (۸).

پیرو نظر کمیته حقوق کودک (۹)، اصول عمومی کنوانسیون و حقوق کودکان، جهانی، جدایی‌ناپذیر، به‌هم‌پیوسته و وابسته است. کمیته در کنوانسیون چهار اصل کلی را به‌عنوان مبنای تصمیمات و عملکرد دولت‌ها در رابطه با فعالیت‌های تجاری و حقوق کودکان در کسب‌وکار معین کرده است که عبارت است از:

۱. عدم تبعیض (ماده ۲ کنوانسیون): دولت‌های عضو موظف هستند حقوق همه کودکان در حوزه صلاحیت خود را بدون هرگونه تبعیض و صرف نظر از نژاد، رنگ، پوست، جنسیت، زبان، مذهب، باور سیاسی یا باورهای دیگر، ملیت، خاستگاه اجتماعی یا قومی، دارایی، معلولیت، وضعیت ولادت یا شرایط دیگر کودک یا والدین یا قیم قانونی وی، رعایت و تضمین کنند. لذا، دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که مقررات، سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و تجاری در برابر کودکان تبعیض‌آمیز نیستند. ازاین‌رو، دولت‌ها باید اقداماتی را برای ایجاد محیط حمایتی در کسب‌وکار کودک فراهم آورند و با ترویج و تفهیم حقوق از طریق آموزش، رسانه و تبلیغات حق کودکان در برابر تبعیض را محافظت کنند.

۲. منافع عالیه کودکان (بند یک ماده ۳ کنوانسیون): دولت باید در تمامی اقدامات منافع عالیه کودکان را در عالی‌ترین ملاحظات لحاظ نماید و در تمامی رویه‌های تقنینی، اجرایی و قضایی در حوزه تجاری و اقتصادی مدنظر قرار دهد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

۳. حق حیات، بقا، رشد (ماده ۶ کنوانسیون): دولت‌های عضو ملزم هستند قوانین و سیاست‌های مؤثر برای ایجاد محیط مساعد کسب‌وکار را در ابعاد مختلف فعالیت‌ها، عملیات و پروژه‌های اقتصادی در برخورداری از بهداشت، امنیت غذایی، دسترسی به آب آشامیدنی مناسب و فاضلاب جهت تحقق ماده ۶ کنوانسیون فراهم آورند. اهمیت رسیدگی به‌سلامت کودکان از دیدگاه حقوق بنیادین بشری در راستای تحقق سلامت جسمانی، عاطفی و اجتماعی از حق حیات و بقا، رشد و بالندگی تا عالی‌ترین سطح توان بالقوه را شامل می‌شود که با تخصیص منافع و سیاست‌گذاری در راستای به‌کارگیری دانش و فناوری‌های موجود به‌منظور پیشگیری، درمان برای انتفاع از عالی‌ترین استاندارد سلامت باید تنظیم گردد (۱۰).

۴. حق کودک برای شنیده‌شدن (ماده ۱۲ کنوانسیون): دولت‌های عضو معمولاً باید در جریان تصویب قوانین و سیاست‌های تجاری و اقتصادی ملی یا محلی که بر کودکان تأثیرگذار است، به نظرات کودکان گوش فرا دهند و باید با نمایندگان گروه‌های اقلیت، بومی یا دارای معلولیت و کودکان کار که در معرض آسیب‌پذیری قرار دارند در راستای استماع نظرشان مشورت داشته باشند. دولت‌ها باید نهادهای بازرسی در آموزش و کار به منظور کنترل و نظارت بر فعالیت‌های تجاری و اقتصادی مرتبط با حوزه کودکان در نظر بگیرند و نظرات کودکان را نیز استماع نمایند.

در این راستا دولت‌ها باید اقدامات مناسب تقنینی، اداری، اجرایی مؤثر برای ایفای کامل حقوق مندرج در کنوانسیون حقوق کودک به عمل آورند و حداکثر منابع لازم جهت ایفای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان کار که در محیط آسیب‌پذیری قرار دارند پیش‌بینی نمایند تا موجبات رشد و شکوفایی توانایی و استعدادهای بالقوه آن‌ها را فراهم آورند. این بدان معناست که کلیه تصمیمات و اقدامات مربوط به کودکان باید با رعایت اصل منافع کودک و حقوق کودکان در زندگی باشد، و آن‌ها را به‌سوی بقا و رشد هدایت کند.

۲. بررسی تأثیر حقوق اقتصادی بر حقوق کار کودکان و نوجوانان در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران

وظایف دولت در فراهم‌کردن آموزش‌وپرورش رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی و پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه مطابق ضوابط اسلامی به‌منظور ایجاد رفاه بر مبنای منافع عالیه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه دربندهای ۳ و ۱۲ اصل سوم قانون اساسی مورد تأکید قرارگرفته است. تأکید مجدد بر رایگان‌بودن آموزش‌وپرورش برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه و فراهم‌سازی وسایل تحصیلات عالی تا سرحد خودکفایی کشور و به‌طور رایگان در اصل سی‌ام قانون اساسی مورد توجه قرارگرفته است. همچنین، بند ۲ اصل بیست و یکم قانون اساسی حمایت از کودکان بی‌سرپرست را یکی از وظایف دولت برشمرده است. اصل چهل و سوم نیز بر تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی استوار است. اصل فوق ضمن اشاره به ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت، بهره‌کشی از کار دیگری را ممنوع کرده و به آزادی در انتخاب شغل تأکید داشته است. بر این اساس برنامه اقتصادی کشور باید طوری سیاست‌گذاری شود که هر فرد علاوه بر آزادی انتخاب شغل و تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و افزایش مهارت و ابتکار را داشته باشد. همچنین مطابق اصل بیستم، همه افراد ملت اعم از زن و مرد به طور یکسان مورد حمایت قانون

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

قرارگرفته‌اند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردار هستند. در این راستا پیرو اصل بیست و نهم، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره، را حقی همگانی برشمرده است.

قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ مقررات متعددی راجع به شرایط کار نوجوانان و حمایت از آن‌ها در مواد ۷۹ الی ۸۴ پیش‌بینی کرده است. بر اساس ماده ۷۹ قانون فوق‌الذکر، حداقل سن شروع به کار ۱۵ سال است و «به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است». قانون کار در ادامه ضمن تعریف کارگر نوجوان به کارگری که سنش بین ۱۵ تا ۱۸ سال است، برخی مقررات حمایتی در بدو استخدام را ضروری دانسته است. از جمله، ماده ۸۰ قانون مذکور مقرر داشته کارگر نوجوان: «در بدو استخدام باید توسط سازمان تأمین اجتماعی مورد آزمایش‌های پزشکی قرار گیرد.» و پیرو ماده ۸۱: «آزمایش‌های پزشکی کارگر نوجوان، حداقل باید سالی یکبار تجدید شود و مدارک مربوط در پرونده استخدامی وی ضبط گردد. پزشک درباره تناسب نوع کار با توانایی کارگر نوجوان اظهار نظر می‌کند و چنانچه کار مربوط را نامناسب بداند کارفرما مکلف است در حدود امکانات خود شغل کارگر را تغییر دهد». علت و مبنای این دستور احراز آمادگی جسمانی و روانی در کار نوجوان است و تجدید آزمایش‌ها به منظور حفاظت از سلامت نوجوان و بررسی کار او بوده که صدمه‌ای به‌سلامت وی وارد نیاورده باشد و در صورتی‌که طی آزمایش‌ها مشخص شود که کار نوجوان موجب آسیب به‌سلامت جسمی یا روانی وی می‌گردد کار دیگری برای نوجوان جایگزین شود.

ماده ۸۲ قانون فوق مقرر می‌دارد: «ساعات کار روزانه کارگر نوجوان، نیم ساعت کمتر از ساعات کار معمولی کارگران است. ترتیب استفاده از این امتیاز با توافق کارگر و کارفرما تعیین خواهد شد». درهرحال این نیم ساعت جنبه حداقل دارد و نمی‌توان به کمتر از آن توافق کرد. قانونگذار برای حفاظت از سلامت جسمی نوجوان مطابق ماده ۸۳ مقرر می‌دارد: «ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور و خطرناک و حمل بار با دست، بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است» و به منظور حفاظت از سلامت روانی، روحی و اخلاقی وفق ماده ۸۴ مقرر می‌دارد: «در مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام می‌شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوان زیان‌آوراست، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود. تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است».

در این راستا، وزارت کار در سال ۱۳۸۳ آیین‌نامه اجرایی تبصره‌های (۱) و (۲) ماده واحده قانون کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌نامه‌های مکمل آن را تصویب نمود و مطابق ماده فهرستی از کارهای مضر برای افراد کمتر از هجده سال در ۳۶ بند تهیه نمود. مطابق ماده ۲ آیین‌نامه فوق، «کسانی‌که کودکان را به کارهای موضوع ماده (۱) این آیین‌نامه بگمارند مشمول مجازات خواهند شد». البته تبصره ماده ۱، مشاغل خانگی به منظور کمک به والدین «در حد توان کودک» را مجاز و مستثنی نموده است.

از سویی دیگر، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در ماده (ث) ۱، پیرو مقاوله‌نامه‌های قانون کار در تعریف اصطلاح بهره‌کشی اقتصادی اشعار می‌دارد: «به‌کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و یا وادارکردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد». لذا به‌کارگیری و یا وادارکردن غیرقانونی کودک یا نوجوان در هر نوع کار یا خدمتی که موجب آسیب از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی شود مطابق ماده ۱۵ قانون فوق، علاوه بر مجازات‌های مذکور در قانون کار مشمول مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی نیز می‌شود.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پیرو کنوانسیون منع بدترین اشکال کار کودکان، در ماده ۷۱۳ به‌کارگیری کودکان در تکدی‌گری را به دلیل آسیبی که به لحاظ جسمی، روانی و اجتماعی به کودک وارد می‌کند جرم انگاری نموده است و مقرر می‌دارد: «هر کس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد» (۱۱). قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز وارد شدن یا واردکردن طفل و نوجوان در فعالیت‌هایی نظیر تکدی‌گری، قاچاق، اعتیاد آنان به مواد مخدر، روان‌گردان یا مشروبات الکلی و هرگونه سوء رفتار یا بهره‌کشی از او را طبق ماده ۳ وضعیت مخاطره‌آمیز کودک محسوب کرده است. مطابق ماده قانونی فوق، در صورتی‌که طفل یا نوجوان در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی قرار گیرد، مطابق ماده ۳ قانون فوق، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌گردد. وفق ماده ۳۳ قانون فوق، هرگاه خطر شدید و قریب‌الوقوعی طفل یا نوجوان را تهدید کند یا به سبب وضعیت مخاطره‌آمیز «موضوع ماده ۳» وقوع جرم، محتمل باشد، مددکاران اجتماعی بهزیستی یا واحد حمایت دادگستری و ضابطان دادگستری مکلف‌اند فوری و در حدود وظایف و اختیارات قانونی، تدابیر و اقدامات لازم را در صورت امکان با مشارکت و همکاری والدین، اولیاء و یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان جهت رفع خطر، کاهش آسیب و پیشگیری از وقوع جرم انجام دهند. در این راستا مطابق ماده ۳۲، مددکاران اجتماعی بهزیستی پس از کسب اطلاع از وضعیت مخاطره‌آمیز موضوع ماده ۳ این قانون، حسب مورد تحقیقات و اقدامات مقتضی را پیرو قانون فوق اتخاذ می‌نماید و هرگاه دادستان پس از ملاحظه گزارش موضوع ماده ۳۳ یا از هر طریق دیگر اتخاذ تدابیر حمایتی برای طفل یا نوجوان را ضروری تشخیص دهد با توجه به نوع و شدت خطر، کیفیت جرم و سوابق و وضعیت جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی طفل یا نوجوان و والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی او، در صورت امکان با همکاری و توسط این اشخاص اقدام لازم را جهت رفع خطر انجام داده و در موارد ضروری پس از اخذ نظر مددکار اجتماعی بهزیستی و یا واحد حمایت دادگستری دستور موقت خروج طفل و نوجوان را از محیط خطر و انتقال او به مکانی مطمئن و امن مانند مراکز بهزیستی یا سایر مراکز مرتبط و یا سپردن به شخص مورد اطمینان صادر و مراتب را حداکثر ظرف مدت پانزده روز جهت اتخاذ تصمیم مقتضی به دادگاه اعلام می‌کند (ماده ۳۵).

باید اذعان داشت که حاکمیت قانون و اخلاق در کشور ایجاب می‌کند که سازوکارهای تحقق حقوق کودکان را فراهم کنیم. مسئولان باید برای کودکان برنامه داشته باشند. از قوانین و ساختارهای نامناسب باید عبور کرد؛ و در حال حاضر به برنامه‌های منسجم و دقیق برای پاسخگویی به نیازهای اساسی کودکان و نوجوانان نیازمند هستیم (۱۲). قانون حمایت از اطفال و نوجوانان حقوق اقتصادی و حقوق کار کودکان و نوجوانان را مورد حمایت و حفاظت قرار داده است و به‌کارگیری غیرقانونی طفل و

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

نوجوان و یا وادارکردن یا گماردن آن‌ها به هرکاری که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی مضر باشد را غیرقانونی و مستوجب مجازات قرار داده است؛ ولی باید توجه داشت که حمایت و حفاظت از کودکان و نوجوانان صرفاً به معنای اجتناب کلی از موقعیت‌های خطرناک نیست، بلکه نحوه برخورد با این موقعیت‌ها توسط مراجع ذی‌ربط، تحقیقات و اقدامات مقتضی جهت رفع خطر و کاهش آسیب جسمی و روانی حائز اهمیت است. همچنین، شناسایی محیط کار کودکان، آگاهی‌رسانی به کودکان از معنای کار و نقش‌های فعال کودکان در محافظت از خود نیز می‌تواند در حفاظت از حقوق کار آن‌ها و پیشگیری از صدمات احتمالی در این رابطه تأثیرگذار باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

حق داشتن کار و انتخاب آزاد شغل یک حق اساسی اقتصادی است. این حق نه تنها در حقوق بین‌الملل تصریح شده است بلکه در قانون اساسی و قوانین کار بسیاری از کشورها نیز وجود دارد. با این حال، این حق هنوز به ندرت به کودکان واگذار می‌شود و یا فقط به برخی از کودکان اختصاص می‌یابد.

سازمان بین‌المللی کار و مقاوله‌نامه‌های آن افزایش حداقل سن کار به پانزده سال را تأکید دارد، ولی برای کودکان کار زیر این سن، هیچ‌گونه حقوق حفاظتی و حمایتی خاصی پیش‌بینی‌نشده است. طبق مقاوله‌نامه حداقل سن مورخ ۱۹۷۳ شماره ۱۳۸، لغو کار کودک و تعیین حداقل سن اشتغال به کار باید با توجه به رشد کامل جسمی و ذهنی نوجوان باشد و مانع تحصیلات کودکان نگردد. از نظر طرفداران این نظریه، حق کار به منظور حفاظت در برابر بهره‌کشی اقتصادی است که برای بهداشت جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی و پیشرفت اجتماعی وی مضر است. حتی کنوانسیون شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار، که به طور خاص مبارزه با «بدترین اشکال کار کودکان» را هدف گرفته است، به‌جای ایجاد راه‌حلی برای این مشکلات، صرفاً به مشکلاتی که کودکان کار با آن روبرو هستند اشاره داشته است. این موضوع در ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک هم مورد تأکید قرارگرفته و دربند (۲) از دولت‌های عضو خواسته شده که حداقل سن کار را در قوانین خود تعیین نمایند به‌طوری‌که احقاق حقوق کودکان مندرج در کنوانسیون محقق گردد و مانع استثمار اقتصادی شود.

اما چالش و مشکل کار کودکان صرفاً محدود به شناسایی اشکال مضر کار کودکان نیست، بلکه نحوه تعریف وضعیت آن‌ها و نحوه مبارزه با مشکلات آن‌ها یا در نظرگرفتن شرایط خاص زندگی و خانواده‌های آن‌ها است که خود مستلزم شناسایی عوامل ایجاد کار کودک و ارائه راه‌حل‌هایی برای بهبود محیط کار، شرایط زندگی و خانواده‌ها و ایجاد تغییرات ساختاری در اقتصاد و جامعه در مقابله با بهره‌کشی و استثمار کودکان است. ازاین‌رو کودکان کارگاهی این ایده را با کلمات «فقر باید به جای کار ما ممنوع شود» یا «کار نکردن با توجه به وجود شرایطی که باید تحت آن کارکنیم برای ما مشکل است» بیان می‌کنند.

لازم به ذکر است که، برخلاف حق اشتغال، حق کار به عنوان حق فردی کودک در تصمیم‌گیری آزادانه در مورد اینکه کجا، چگونه، و چه مدت و در چه سنی کار می‌کند، درک می‌شود که این امر فراتر از دسترسی صرف به‌نوعی اشتغال، چه در اقتصاد رسمی و چه غیررسمی است. توجه به حق کار کودکان به‌ویژه در مناطق محروم، دامنه تصمیم‌گیری کودکان را تقویت کرده و موقعیت اجتماعی آن‌ها را ارتقاء می‌بخشد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

از طرفی، قوانین و سیاست‌های ملی و بین‌المللی که برای محافظت از کودکان کار طراحی شده است، عواملی را که باعث ایجاد انگیزه در کار کودکان می‌شوند، در نظر نمی‌گیرند و نظرات و برداشت‌های کودکان کار را نیز در نظر ندارد. قوانین و سیاست‌های مزبور، همچنین منعکس‌کننده غفلت قابل توجه از زمینه‌های خاص فرهنگی و اجتماعی است که تأثیر آن کار کودکان به عنوان مشارکت در مسئولیت‌های مشترک است. لذا، در واقع این خطر وجود دارد که در شرایط فقر شدید کودکان فقط از نظر پتانسیل نیروی کار دیده شوند و توجه کمی به حقوق و نیازهای آن‌ها شود؛ حتی کودکان زیر سن قانونی کار به جهت فقر اقتصادی در اجتماع یا خانواده مجبور به کار باشند و به جهت فقدان حمایت قانونی مورد بهره‌کشی اقتصادی قرار گیرند. با توجه به احراز کار کودکان باوجود ممنوعیت یا محدودیت‌های قانونی، و بینش‌هایی که در مورد اثرات ناخواسته این ممنوعیت‌ها اشاره شده است، سازوکارهایی برای بهبود وضعیت کودکان پیشنهاد می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. مطابق ماده ۴ کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌ها متعهد هستند اقدامات مناسب قانونی، اداری و دیگر اقدامات برای ایفای حقوق مقرر در کنوانسیون و تخصیص حداکثر منابع در ایفای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان به عمل آورند. تعهد دولت‌ها شامل تعهد به نتیجه و فعل است. دولت‌ها حتی در صورت تفویض اختیارات به نهادها یا بخش خصوصی یا غیرانتفاعی، همچنان نسبت به حق کسب‌وکار کودک مسئول هستند.

۲. دولت‌ها موظف هستند در قبال نقض حقوق کودک به‌ویژه مقررات تعیین‌شده در رابطه با شرایط کار کودکان، دستمزد و تبعیض که توسط کارفرما یا اشخاص ثالث صورت می‌گیرد، جبران خسارت و غرامت تعیین کنند.

۳. ایجاد سازمان‌ها یا نهادهایی دارای اختیارات نظارتی در رابطه با حقوق کودکان مانند بازرسان کار، بهداشت، آموزش و ایمنی کار کودکان، مراجع قضایی اختصاصی کودکان یا خانواده، توسعه اختیارات واحد حمایت دادگستری و مددکارهای اجتماعی یا بهزیستی در کنترل و نظارت به وضعیت مخاطره‌آمیز کودکان، مؤسسات حقوق بشری، مراجع مالیاتی در زمینه تحقیق، کنترل و نظارت بر عوامل کار کودکان، محیط کار، موارد سوءاستفاده از کودکان، حائز اهمیت است.

۴. اتخاذ اقدامات پیشگیرانه در نقض حقوق کودک با گسترش نهادهای اجتماعی و فرهنگی، توسعه مراکز قضایی و نهادهای بازرسی و اجرایی که شامل موارد زیر می‌شود، حائز اهمیت است:

الف- تخصیص آموزش‌وپرورش رایگان برای همه کودکان و نوجوانان؛

ب- تشکیل نهادهایی برای حمایت اجتماعی و معنوی کودکان و شناسایی کودکان معرض خطر و عوامل ایجاد آن؛

پ- امکان دسترسی به تأمین مالی عمومی در اشکال مختلف حمایت‌های اجتماعی مانند: بیمه اجتماعی و بیکاری و بهداشتی، مراکز بهداشتی رایگان و مراکز حقوقی رایگان برای مشاوره و احقاق حقوق کودک؛

ت- ایجاد نهادهایی با وظیفه جمع‌آوری سوابق کاری و بهداشتی کودکان کار و تأمین مالی عمومی و دیگر اشکال حمایت رسمی؛

ث- پیش‌بینی استانداردهای سلامت جسمی و روانی، محیط کار، لوازم کار در کار کودکان؛

ج- رعایت ایمنی و بهداشت جسمی، معنوی کودک و محیط کاری وی توسط مؤسسات کاری که کودکان در آن‌ها مشغول به کار هستند و تضمین حقوق آن‌ها؛

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

چ- فهرست‌بندی و مشخص‌کردن کار، محیط و ابزارهای مضر برای سلامت جسمی، روانی و اجتماعی کودکان،

۵. دولت‌ها باید سیاست‌های خانواده محور اتخاذ نمایند و شرایط کاری را به‌گونه‌ای ایجاد نمایند که به والدین و سرپرستان شاغل در انجام مسئولیت‌شان در قبال کودکان کمک نماید. مانند: افزودن مرخصی والدین، حمایت و تسهیل تغذیه با شیر مادر، ایجاد مراکز نگهداری کودکان، حمایت در برابر تبعیض و خشونت، ایمنی و امنیت در محیط کار.

۶. دولت‌ها باید مراکز مناسب با استانداردهای لازم زندگی برای کودکان بی‌سرپرست، مهاجر، طردشده از خانواده، فراری که به جهت شرایط نامساعدشان باید از حمایت بیشتری برخوردار شوند، ایجاد نمایند.

امید آن است که با سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و وضع قوانین مؤثر پیرامون حقوق کار کودکان، بهبود وضعیت اقتصادی آن‌ها محقق شود و همچنین با شناسایی عوامل مؤثر در ایجاد انگیزه کار در کودکان، معضلات و آسیب‌های موجود بر سر راه تحقق حقوق کودکان به حداقل برسد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی، شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

References

1. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR), G.A., 1966.

2. Universal Declaration of Human Rights, G.A. A/RES/217, 1948.

3. The International Labour Organization's Fundamental Conventions. ILO. Geneva: International Labour Office; 2002.

4. International Labour Organization. ILO declaration on fundamental principles and rights at work and its follow-up. International Labour Organization; 1998.

5. International Labour Office. The International Labour Organization's Fundamental Conventions. Geneva: International Labour Office; 2002. Freedom of Association and Protection of the Right to Organise Convention; 1948 .No. 87, Right to Organise and Collective Bargaining Convention; 1949. No. 98.

6. Labour Convention; 1930. No. 29, Abolition of Forced Labour Convention; 1957. No.105, Minimum Age Convention; 1973. No. 138, Worst Forms of Child Labour Convention; 1999. No. 182, Equal Remuneration Convention; 1951. No. 100, Discrimination (Employment and Occupation) Convention; 1958. No. 111.

7. Dwyer JG. The Oxford handbook of children and the law. Oxford University Press; 2020.

8. Committee on the Rights of the Child. General comment; 2013. No. 16. Para 4.

9. Committee on the Rights of the Child. General comment No. 4, CRC/GC/2003/4; 2003.

10. Committee on the Rights of the Child. General comment No. 15. on the right of the child to the enjoyment of the highest attainable standard of health; 2013. art. 24, para 1-6.

11. Golduzian A. Description of the Islamic Penal Code, Tehran: Publication of Majd Scientific and Cultural Assembly; 2010, p. 131. [Persian]

12. Abbasi M, Mirbod L. Legal clinics; Desirable Mechanism for Protection and Substantiation of Children's Rights. Child Rights J 2020; 2(8): 11-46. [Persian]

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.